

۴۷۹.۴۲۰

امام حسین علیہ السلام

پانچ تین چہرہ ی تائخ

عبداسنی پانیدہ (نوری)

سرشناسه: پاینده (نوری)، عبدالغنی
عنوان و نام پدیدآور: امام حسین علیه السلام پاک‌ترین چهره‌ی
تاریخ / عبدالغنی پاینده (نوری).
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر،
۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.
شابک: ۳-۵۶۰-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴-۶۱ ق.
واقعه‌ی کربلا، عاشورا، ۶۱ ق.
رده‌بندی کنگره: ۸ الف ۱۳۹۵ ن ۴ / ۴۱ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۳
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۳۵۵۷۸۶

شابک ۳-۵۶۰-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸-3 978-964-519-560-3

امام حسین علیه السلام

پاک‌ترین چهره‌ی تاریخ

مؤلف: عبدالغنی نوری

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: زنبق

صحافی: علی



اینستاگرام:
monir_publisher

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه ابسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)

پست الکترونیک:
info@monir.com



کانال تلگرام:
telegram.me/monirpub

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۷	جامعه‌ی انسانی نیاز به حکومت میسر دارد
۱۹	دیدگاه و رفتار گوناگون اشخاص و نیز نهادهای برجسته در برابر حکومت‌ها
۲۱	روش و شیوه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) در برابر حکام جاهل و وقت
۲۳	در دو مقطع از تاریخ اسلام سلاطین جور از سوی امام معصوم بیعت خواستند
۳۱	درگیری مدعیان دروغین خلافت با جمعی از طرفداران ائمه‌ی مؤمنین (علیهم‌السلام)
۳۱	مخالفت سعد بن عبادۀ و قیس بن سعد در مورد بیعت با ابی بکر
۳۲	مخالفت زبیر با بیعت
۳۵	مخالفت خالد بن سعید بن العاص با بیعت
۳۶	امتناع حضرت سلمان از بیعت
۳۷	امتناع ابی ذر از بیعت با ابی بکر
۳۹	مخالفت بریده‌ی اسلمی از بیعت با ابوبکر
۴۰	مخالفت مقداد با بیعت
۴۰	مخالفت عثمان بن حنیف از بیعت با ابی بکر
۴۱	ابوایوب انصاری و مخالفتش از بیعت با ابی بکر
۴۲	سخنی اعتراض آمیز از سهل بن حنیف نسبت به بیعت با ابی بکر

- ۴۲ مخالفت شدید عمار یاسر از بیعت با ابی‌بکر
- ۴۴ مخالفت ابی‌بن کعب در مورد بیعت با ابوبکر
- ۴۵ امتناع بلال حبشی از بیعت با ابی‌بکر
- ۴۵ سخنان اشخاصی که مجبور بر بیعت شدند
- ۴۶ خلاصه و نتیجه‌ای از بحث گذشته
- امتناع امیرالمؤمنین (ع) از بیعت با غاصبین، و برخورد خشن مدعیان خلافت، در قالب تهدید و اجبار آن حضرت و نیز طرفدارانش بر بیعت با ابوبکر
- ۴۷ اعتراض شدید حضرت فاطمه (ع) نسبت به جریان شوم سقیفه بنی‌ساعده
- ۵۸ نتیجه‌ای از بحث گذشته در سیزده مورد
- ۶۰ توصیه و توجه امام امیرالمؤمنین (ع) به موضوع اختیار و آزادی مردم در مورد بیعت
- ۶۷ شجره‌ی ملعونه، و بار باره‌ی بد (ملعون)
- ۷۴ ابوسفیان جد یزید (لعنة الله علیهما)
- ۷۹ معاویه پدر یزید (لعنة الله علیهما)
- ۸۱ شمه‌ای از رفتار و صفات شیطان‌ی یزید (لعنة الله علیه)
- ۸۵ شخصیت‌های برجسته و نیز افرادی که مخالف بیعت با یزیدین معاویه (علیهما اللعنة) بودند
- ۹۱ مخالفت ابن عباس با بیعت یزید (لعنة الله علیه)
- ۹۱ مخالفت عبدالله بن عمر با بیعت یزید (لعنة الله)
- ۹۶ مخالفت عایشه با بیعت یزید (لعنة الله)
- ۹۶ مخالفت زیاد بن ابیه با بیعت یزید (ملعون)
- ۹۶ مخالفت احنف بن قیس با بیعت یزید (ملعون)
- ۹۷ معاویه به منظور اخذ بیعت برای یزید ملعون به جریان سقیفه بنی‌ساعده استناد نمود
- ۹۹ توصیه و پیشنهادهایی را که افراد خودی، و دیگران جهت بیعت امام حسین (ع) با یزید (لعنة الله) مطرح نمودند
- ۱۰۱ پیشنهادی از سوی ابن عباس
- ۱۰۱

۱۰۲	محمد حنفیه پیشنهادی را در مورد بیعت مطرح می‌کند
۱۰۳	عبدالله بن جعفر پیشنهاد بیعت را به امام حسین علیه السلام مطرح می‌کند
۱۰۴	عبدالله بن عمر پیشنهاد بیعت با یزید (ملعون) را به امام حسین علیه السلام توصیه می‌کند
۱۰۵	توصیه‌ی مروان بن حکم به امام حسین علیه السلام جهت بیعت با یزید بن معاویه (علیهما
۱۰۵	اللعة)
۱۰۶	درخواست ولید بن عتبّه از امام حسین علیه السلام برای بیعت با یزید (ملعون)
۱۰۸	معاویه (ملعون) زمینه و مقدمات اخذ بیعت را برای یزید (ملعون) فراهم نمود
	تهدید و اجبار یزید (ملعون) و عوامل او، بر اخذ بیعت از امام حسین علیه السلام ، و مخالفت شدید آن
۱۱۲	حضرت در این مورد
۱۲۱	سخنان حق و صریح امام حسین علیه السلام در مورد امتناع و رد بیعت با یزید (لَعْنَهُ الله)
۱۳۶	معنای بیعت و آثاری که بر آن مترتب است
۱۵۰	نقدی بر یک کتاب
۱۸۲	ارزش و جایگاه مهمّ فداکاری و شهادت در راه سلاّ و آرمان‌های مقدّس آن
۱۹۲	جمع بین شهادت و القاء در تهلکه
۱۹۹	آثار مثبتی که اسارت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داشته است
۲۱۰	اهمّیت گریه بر امام حسین علیه السلام و ثواب مترتب بر آن
۲۲۲	اهمّیت و فضیلت زیارت معصومین خصوصاً امام حسین علیه السلام
۲۳۲	فضیلت و اهمّیت تربت سیدالشهداء علیهم السلام
۲۳۵	فهرست کُتب و مأخذ

پیشگفتار

شناختن انسان مایه کمال در جامعه، موقعیت ممتاز و خاصی ندارند، نه اهمیت و ضرورتی دارد، و نه فایده مادی برای مردمند بر آن مرتب است.

اما چهره‌هایی که نام و یدشان جلوی از بزرگی و عظمت را در اذهان همگان تداعی می‌کند، دقت و بررسی در پیرامون شخصیت آنان، بدون شک آثار مثبت و ارزشمندی در ابعاد گوناگون خواهد داشت.

امام حسین علیه السلام نه فقط در میان امت اسلام بلکه در نزد دیگر جوامع بشری یکی از چهره‌های ممتاز، برجسته و ماندگار تاریخ است.

امام حسین علیه السلام، افسانه یا اسطوره‌ی تاریخی نمی‌باشد بلکه آن حضرت راه روشنی است که رودی را در دل امت جاری ساخته که هرگز و علیرغم سلاطین طاغوتیان بر آن، مسدود نمی‌گردد.

تاریخ آینه‌ای هست که چهره هر شخصی را چنان‌چه بوده و هست نشان می‌دهد، و با کمال هشیاری بر نیک و بد افراد، و رفت و آمد ملت‌ها نظاره می‌کند، و در حساب این با آن اشتباه نمی‌کند. تاریخ با مرور زمان حقایق نهفته را آن‌گونه که هست آشکار می‌سازد.

اشخاص از میان می‌روند، ملت‌ها و حکومت‌ها جابجا می‌شوند، اما در فراز و نشیب ملت‌ها، و رفت و آمد دولت‌ها، تاریخ همچنان بر سر جای خود ایستاده و می‌ماند.

تاریخ، حوادث تلخ و شیرین، زشت و زیبا را در خود ضبط و در اختیار آیندگان قرار می‌دهد. تاریخ هم چون سنت ثابت و دقیقی است که خداوند قادر مطلق آن را همواره تداوم می‌بخشد و گناه کسی را به گردن شخص دیگری نمی‌گذارد.

«تِلْكَ أَمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱

تاریخ اسلام که از لحظه‌ی طلوع رسالت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله شروع شد، همواره متضمن مقاطع مهم و حساس، در دو مقوله‌ی (بسیار شیرین و نیز بسیار تلخ) بوده است، به همین می‌توان گفت که اولین و برجسته‌ترین حادثه‌ی شیرین مربوط به تاریخ اسلام، بعثت رسول صلی الله علیه و آله می‌باشد و مرتبه‌ی بعد از آن برنامه و مراسم غدیر خم، که تجلی آن در روز دهم ذیحجه سال دهم هجری می‌باشد، بوده است. اما حوادث تلخ و ... پاک که در تاریخ اسلام صورت گرفت، اگر چه متأسفانه کم نیست، ولی تردیدی نخواهد بود که، ظلم‌ترین و زشت‌ترین پدیده‌ی آن حوادث را می‌بایست در قضیه‌ی سقیفه‌ی بنی ساعه جستجو کرد که عده‌ای فرصت طلب و ستمگر، و نیز جمعی اغفال شده آن را به وجود آوردند.

بعد از ماجرای شوم سقیفه، واقعه و جریان که سبب تلخی آن هیچگاه از ذائقه‌ی امت اسلام خصوصاً شیعیان و پیروان اهل بیت عده‌ای و طهارت علیه السلام، زایل و زدوده نخواهد شد، شهادت ابی‌عبدالله امام حسین علیه السلام و یارای یوفای آن حضرت می‌باشد، که در سال شصت و یکم هجری در کربلا صورت گرفت.

تاریخ عاشورای امام حسین علیه السلام نسبت به بسیاری از فصول تاریخ، از تحریف مصون و محفوظ مانده است، زیرا آن حرکت مقدس به قدری صریح، روشن و غیر قابل انتظار بوده است که حتی دشمنان در مقابل آن سر تعظیم فرود آوردند، و زبان به ستایش آن گشودند، مورخین و نویسندگان جز بر مبنای عظمت و بزرگی، شجاعت و صراحت، مردانگی و حریت، آزادمنشی و جوان‌مردی رهبر آن حرکت الهی چیزی ننوشتند و نگفته‌اند،

حضرت، و سپس مرگ یزید (ملعون) در حدود نزدیک به هفتاد سال تمام، قدرت و حکومت به ظاهر اسلامی به دست حکام بنی امیه بود.

مع الوصف تاریخ اجازه نداد که در طول این مدت چهره‌ی تابناک واقعه‌ی عاشورا را تغییر دهند، و قیافه‌ای تاریک و مبهم جایگزین آن شود.

شهر مدینه شاهد روزهای مهم تاریخی بود، روزی که ۳۱۳ نفر در غزوه‌ی بدر کبری آن‌هم در ماه رمضان سال دوم هجری بر ۹۵۰ نفر از مشرکین مکه پیروز شدند، و بیش از هفتاد نفرشان را کشتند و به همین تعداد هم اسیر گرفتند، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سیدان، فاتح و پیروز به خانه‌ی خویش بازگشتند.

و روزی که حدود بیستصد نفر مسلمان در غزوه‌ی احد در شوال سال سوم هجری به جنگ با سه هزار نفر مشرکین مکه ایستادند، و بیش از هفتاد نفر از بزرگان مسلمین شهید شدند، و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان مجاهد، سوگوار و داغدار به مدینه بازگشتند.

هم‌چنین روزی که در سال چهارم هجری خبر شهادت چهل یا هفتاد نفر از اصحاب در سریه‌ی رجیع در مدینه انتشار یافت،

و نیز روزی که در سال پنجم هجری در جنگ خندق، سه هزار نفر مسلمانان بر دوازده هزار نفر یابه قول بعضی بر بیست و چهار هزار نفر دشمن پیروز شدند.

و روزی که در سال هفتم هجری، مسلمانان بر یزید و یزید خیر غالب شدند، و خبر این فتح بزرگ به مدینه رسید،

واقعاً جای تعجب است که در حدود پنجاه سال بعد از ولادت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) کار حق ناشناسی و ناسپاسی مسلمانان به جایی رسید که خبر کشته شدن فرزندان و عزیزان آن حضرت را به عنوان یک خبر خوش و مسرت‌بخش به حاکم مدینه یعنی محل هجرت و مکان دفن پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) گزارش دهند.

عبدالملک بن ابی الحارث که از بُردن این خبر به شهر مدینه و محل سکونت بنی‌هاشم و بستگان امام حسین (علیه السلام) احساس شرمندگی می‌کرد، لذا از باب معذرت‌خواهی نزد ابن زیاد آمد اما ابن زیاد که تازیانه‌ی قدرت را به دست داشت، و

با کشتن امام حسین علیه السلام بیش از پیش سختگیر و خشن بود، عبدالملک را تهدید کرد، شب و روز عاشورا، دیگر تکرار پذیر نیست، مگر آن که دوباره قرآنی نازل شود، و پیغمبری به عظمت خاتم انبیاء مبعوث گردد، و پدر و مادری هم چون علی و فاطمه علیهما السلام به وجود آیند، و محیطی مانند محیط زندگی اهل بیت عصمت علیهم السلام فراهم گردد، و شرایط پیدایش هفده نفر جوانان بنی هاشم که به گفته‌ی امامشان در روی زمین برای آن‌ها ماندنی نبود، هم‌ا‌ش آماده گردد، و نیز موجبات ظهور مردانی مانند حبیب بن مظاهر اسدی، و دیگر اصحاب امام حسین علیه السلام به وجود آید، و مسافراً چنان خطری که در آن مقطع تاریخی از جانب بنی امیه برای اسلام ظهور و بروز یافته بود، اسلام را به طور جدّ تهدید کند، و از هر جهت اوضاع نامناسب با همان وضعیت سال نخست هجری تکرار شود، در صورت جمع شدن همه‌ی شرایط و اوضاع فوق‌الذکر، روز عاشورا قابل تکرار خواهد بود. لذا این سؤال مطرح است که جمله‌ی **کلّ یوم عاشورا و کلّ نفس کربلا**، در کدام منبع معتبر تاریخ اسلام مذکور است.

قضیه‌ی کربلا هم چون سکه‌ای دارای دو روی کاملاً متفاوت و متمایز از یکدیگر می‌باشد، یک روی آن ایمان، اخلاص، وفاداری، شجاعت، شهادت، ستم‌ناپذیری... و روی دیگر آن خیانت، بی‌وفایی، ناجوانمردی، ستمگری، قساوت... می‌باشد. اشخاصی که اهل تحقیق، تحلیل و تفسیر وقایع تاریخی و سیاسی در باره‌ی عظمت و شخصیت امام حسین علیه السلام و هم‌چنین در زمینه‌ی کربلا، عاشورا در نهایت عواملی که موجب شهادت آن حضرت شد، برداشت‌ها و نظرات زیادی را مطرح، رد و رسته‌ی تحریر درآورده‌اند.

تمامی صاحب‌نظران اعم از نویسندگان و گویندگان علاوه بر اذعان به شخصیت ممتاز و استثنایی آن امام معصوم، سیدالشهدا علیه السلام به این مطلب توجه داشته و دارند، که برنامه و حرکت امام حسین علیه السلام در سال شصت و یکم هجری که ظهور و تجلی مکانی آن در کربلا بود، نتایج بسیار مثبتی در ابعاد گوناگون داشته، و آن نتایج همچنان استمرار دارد.

تاریخ عموماً و مقطع حساس کربلا خصوصاً دارای سلسله حوادثی است که مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته است،

هر حادثه ریشه‌ای در گذشته، و آثاری در آینده دارد، نکته‌ی قابل توجه این‌که شناخت علل و اسرار رفتار پیامبران و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام، و هم‌چنین شناختن حکمتها و مصالح آن‌ها واجب نیست،

و اگر اسرار و موجبات آن معلوم نشود، در نبوت انبیاء و امامت ائمه علیهم السلام شکی حاصل نخواهد شد،

ریا بعد از آن‌که عقلاً و شرعاً ثابت شد که رفتار پیامبران و جانشینان معصوم آنان، متنبر حکم و مصالح، و بر طبق تکلیف شرعی است، دانستن آن مصالح به طور تفصیل لازم نیست،

همان‌گونه که در عادی تکوین، مصالح آفرینش بسیاری از مخلوقات بر بشر مجهول است، مع الوصف انکار آن صحیح نیست و دلیل بر عدم حکمت آفریدگار جهان نمی‌شود،

بنابراین در عالم تشریع و روش‌بینی راو صیای آنان نیز چنین مسایلی وجود دارد، بلکه گاهی اوقات کارهایی از آن ذوات مقدس دیده می‌شود با این‌که عین صواب و حکمت است ولی اگر خود آن چهره‌های آسمانی و وحی حکمت و مصلحت آن را بیان نفرمایند، دیگران آن را درک نخواهند کرد.

نمونه‌ی آن همان حکایت حضرت خضر و موسی علیهم السلام و علیهما السلام است که قرآن کریم بیان فرموده است.

نخستین شخصی که مردم را به بخشی از اسرار و هدف‌های عالی قضیه‌ی عاشورا و کربلا آشنا نمود، خود امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت، بلکه قبل از آن وجود مقدس جد گرامی ایشان، پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و پدر بزرگوار او امیرالمؤمنین علیه السلام بودند.